

تبلیغ دین اسلام در دنیای نوین (۲)

علی وزینی

چکیده:

وجود ارتباطات دیجیتالی و نشر الکترونیکی، دنیای امروز را به دنیایی بدون مرز تبدیل کرده و باعث پیچیدگی افکار و پیدایش پرسشهای جدید شده است؛ از این رو، در چنین شرایطی، تحول مناسبات مبلغان با مخاطبان امری ضروری است تا آنجا که باید مؤلفه‌های سنتی و مدرن را با ظرافتی خاص مورد توجه قرار داده، نیازهای تبلیغی مخاطبان در عرصه‌های مختلف را برآورده سازند. این کار مستلزم بیدارسازی فطرت مخاطبان توسط مبلغان می‌باشد؛ چرا که خداجویی در فطرت تمامی آنان نهادینه شده است و با تغییر جوامع هیچ تغییری در آن به وجود نمی‌آید.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

کلید واژه:

دنیای مدرن، اسلام، ارتباطات، تبلیغ، فطرت.

اشاره

موضوع «تبلیغ دین اسلام در دنیای نوین» در شماره ۱۴۸ ماهنامه مبلغان آغاز گردید و در آن مباحثی همچون «پیشینه تبلیغ دین اسلام»، «تعریف تبلیغ» و «ویژگیهای دنیای نوین» مطرح شد.

در این شماره، به موارد زیر می پردازیم:

۱. سیمای تبلیغات در دنیای نوین [دومین ویژگی دنیای مدرن]؛
۲. ویژگیهای انسان کنونی؛ ۳. جایگاه خدا در زندگی انسان مدرن؛ ۴. نقش دین اسلام در دنیای نوین.

ویژگیهای دنیای نوین

الف. دنیای بدون مرز

در قسمت قبلی، در این باره بحث کردیم.

ب. سیمای تبلیغات در دنیای نوین

سیمای تبلیغات و روشهای اطلاع رسانی و ارتباط با مخاطب، در قرن ۲۱، اساساً دگرگون شده است:

۱. ارتباط دیجیتالی و نشر الکترونیکی

بشر، در قرن ۲۱، شاهد پیدایش ارتباط دیجیتالی و نشر الکترونیکی است. توزیع سریع و گسترده پیام، از طریق شبکه‌های الکترونیکی اطلاع رسانی، موجب شده است که اطلاعات یا پیام، به عنوان نماد و دستمایه توسعه همه جانبه جوامع، محسوب شود.

۲. پیچیدگی فرایند شکل‌گیری افکار و رفتار جامعه و نسل جدید

سیمای تبلیغات در عصر نوین، موجب دگرگونی در رفتارها و نگرشهای

انسان شده است. بدون توجه به این دگرگونیها، نمی توان تصویری واقع بینانه از فرآیند شکل گیری افکار و رفتار جامعه [به ویژه نسل جوان و نوجوان] داشت.

۳. ارتباطات فراملی به هم پیوسته، متنوع و پیچیده

دنیای جدید از دریچه ارتباطات، دنیایی به هم پیوسته است؛ چرا که با گسترش فن آوری، حوزه های مختلف علوم بشری، پیوند محکمی یافته و فعالیتها از عرصه های ملی، به عرصه های فراملی [بین المللی و جهانی] منتقل شده است، و حوزه های فرهنگ، سیاست، اخلاق، اقتصاد و... را تحت تأثیر قرار داده است. این تحولات، حیات نسل جدید را پیچیده تر و مشکل تر ساخته است؛ زیرا هر چه به فرآیند جهانی شدن نزدیک تر می شویم، میزان ارتباط با محیط بین المللی، روز به روز افزایش می یابد.

این امر به پیچیدگی پاسخگویی نظامهای آموزشی، تبلیغی و تربیتی می افزاید؛ زیرا امواج اطلاعات، همانند سیل ویرانگر و بینان کن، از بیرون مرزها، بی رحمانه به درون جوامع، [به ویژه جامعه ما]، هجوم آورده و تمام بنیادهای ارزشی، فرهنگی و اجتماعی نسل جدید را، تحت تأثیر قرار داده است.

۴. پیدایش چالشها و پرسشهای تازه

امروزه چالشها و پرسشهای تازه ای برای نسل جدید، پدید آمده که انبوه و تراکم آنها، مجال و فرصت پاسخگویی را از ما سلب کرده است؛ تا آنجا که از پاسخگویی به پرسشهای اساسی چون: «من کیستم؟»، «چرا آفریده شده ام؟»، «چه باید بکنم؟» و «جایگاه من در این دنیای نوین چیست؟»، باز مانده ایم؛ پرسشهایی که بی پاسخ ماندن آنها، فلسفه حیات و شیوه زندگی نسل جدید را تهدید می کند.

۵. همگرایی و همزیستی نامرئی

در چنین فضایی از اطلاع رسانی، مرزهای فیزیکی، در هم می شکنند؛ دهکده

جهانی، واقعیت تازه‌ای می‌یابد و همگرایی و همزیستی، شکلی دیگر به خود می‌گیرد.

تبلیغات در عصر جدید، نیازمند تغییرات آگاهانه و بنیادی در روش، نگرش و منش مبلغ است؛ این تغییرات باید معطوف به واقعیت‌های انکارناپذیر دنیای نوین و متناسب با ذهنیت نسل جدید باشد؛ چرا که تسلیم یا انفعال ناآگاهانه در برابر تحولات، موجب تحریف ارزشهای انسانی می‌شود.

اکنون همه فرهنگها، در کنار یکدیگر جای گرفته‌اند و موجب ترکیب و اختلاط فرهنگی شده‌اند و فرآیندی بی‌پایان از تفسیرهای مختلف را ایجاد کرده‌اند، به گونه‌ای که هر کس جنبه‌های مختلف هستی را، بر مبنای ارزشهای ذهنی خود تأویل می‌کند.

رسانه‌های الکترونیکی جدید، غالباً از قوانین ملی کشورها پیروی نمی‌کنند و قانونمند و مرزپذیر نیستند؛ این سبب شده است که ماهیتی ساختارشکن پیدا کنند و دست‌اندرکاران آنها به میل خود یا مخاطبانشان برنامه بسازند.

۶. سانسورگریزی

فقدان سانسور، در اینترنت نیز مانند تلویزیونهای ماهواره‌ای، اطلاعات طبقه‌بندی شده و حتی تصاویر مغایر با ارزشهای اخلاقی را به راحتی در دسترس استفاده‌کنندگان قرار می‌دهد. این امر به‌ویژه برای کشورهایمانند ایران [که از نظر فرهنگی، دارای سیستمی کنترل شده هستند] می‌تواند بسیار آسیب‌زا باشد؛ در چنین شرایطی، مرزهای فرهنگی برداشته می‌شود و همگرایی و همطرازی در فرآیند جهانی شدن، موجب می‌شود که چالش جدیدی بین بومی ماندن و جهانی شدن رخ دهد.

۷. ضرورت تحول مناسبات مبلّغان مؤمن با مخاطبان معاصر

نقش مبلّغان معاصر در مصون‌سازی از آسیبهای زمانه، نقشی بی‌بدیل و اساسی است؛ بنابراین، با توجه به پیامدهای فرهنگی فن‌آوریهای جدید ارتباطی، ضرورت دگرگونی در مناسبات مبلّغ دینی و مخاطبان معاصر از یک سو، و رسانه‌ها و ابزارهای تبلیغی از سوی دیگر، امری انکارناپذیر است.

در چنین فضایی، چگونه می‌توان فرآیند تبلیغ را به گونه‌ای سامان داد که زمینه‌ساز تعالی روح مخاطبان باشد؟

شتاب تحولات نوین و ایجاد تقابل میان سنت و دنیای جدید، نسل جوان امروز را بر سر دو راهی قرار داده است و او را به جدایی از هویت انسانی، سوق می‌دهد و در هویتی مبهم سرگردان می‌کند؛ از این رو، مبلّغان و نخبگان دینی و فرهنگی، باید بی‌هیچ درنگی به چاره‌جویی برای عبور از بحران انتخاب هویت بپردازند تا انسانها بتوانند به بازتولید هستی‌شناسی دینی دست یابند؛ بنابراین ضرورت و اهمیت تبلیغ دین مبین اسلام و ضرورت تبلیغات دینی در عصر نوین آشکار می‌شود.

تبلیغ و تربیت باید برخاسته از سنتها و ریشه‌ها و نیازهای زمان و همسو با چالشهای آینده باشد تا بتواند در ابعاد مختلف زندگی مدرن، مؤثر باشد.^۱ مقام معظم رهبری نیز، با تأکید بر ضرورت تحول مناسبات مبلّغان دینی با مخاطبان معاصر، می‌فرماید: «حوزه علمیه قم، در رأس و به تبع آن، بقیه حوزه‌های علمیه، در شرایط فعلی که میدان برای تبلیغ اسلام باز است و دست و صدای ما، به اقصا نقاط عالم می‌رسد، وضع تبلیغی‌اش نباید با گذشته‌ها فرق

۱. راهبردهای روان‌شناختی تبلیغ، صص ۲۴ - ۱۶.

داشته باشد؟ آن وقتی که حوزه کار تبلیغی مان، جلسه‌ای با پنجاه نفر، صد نفر و حداکثر پانصد نفر بود و در مسجدی تشکیل می‌شد و عالمی در کسوت امام جماعت و یا در کسوت منبری، حرفی برای اینها می‌زد، با امروز که در کل اقطار کشور و جامعه خودمان، کسانی منتظر کار تبلیغی ما هستند، فرق می‌کند. چقدر جوانان مشتاق‌اند که از دین، چیزی بدانند، چقدر افراد فهمیده و تحصیل‌کرده بودند که تا دیروز، آنها را از دین و معرفت دینی، عملاً جدا نگه می‌داشتند، اما امروز دستگاه حکومتی، آنها را به فهم دین و گرایش به دین تشویق می‌کند، اینها می‌خواهند از دین، چیزی بفهمند.^۱

ایشان همچنین در آذرماه سال ۱۳۸۶، در زمینه «حوزه و مدیریت تحول» فرمودند: «امروز، توی هرخانه‌ای، توی هرگوشه‌ای ... توی هر روستایی اگر برویم، از فناوری اطلاعات یک چیزی آنجا مشاهده می‌کنیم. حوزه علمیه می‌خواهد عقب بماند؟ مسئول دینداری مردم، روحانیت است. تحول اجتناب‌ناپذیر است. تحول، طبیعت و سنت آفرینش است. اگر حوزه بخواهد از تحول بگریزد، منزوی خواهد شد. روز به روز منزوی‌تر خواهد شد...، تحول، حتمی است؛ منتها تحول، دوطرف دارد: تحول در جهت صحیح و درست، تحول در جهت باطل و غلط. ما باید مدیریت کنیم که این تحول در جهت درست انجام بگیرد. از تحول نباید گریخت. تحول یعنی به روز بودن به هنگام جلو رفتن، از حوادث عقب نماندن... حوزه یک مقداری عقب است، لکن می‌تواند با سرعت لازم و با جدیت، این را جبران بکند.»

۱. به نقل از سایت: <http://shiaha.com>

ویژگیهای انسان کنونی

الف. تغییرخواهی

آدمیان در گذشته، دنبال تفسیر عالم بودند نه تغییر عالم؛ اما انسان امروز، به دنبال تغییر است. انسان امروز، شیوه‌ای نو و کارآمد برای مطالعه طبیعت به کار گرفته است که در میان گذشتگان نبوده و آن علوم تجربی است که محصولش صنعت و فن‌آوری است.

انسان جدید، با استفاده از این علوم، در طبیعت دست برده و طراحی‌هایی را برای تصرف و تسلط، سامان داده است که می‌تواند پدیده‌های طبیعت را تبیین نماید و برخی از آنها را پیش‌بینی و مهار کند؛ از این‌رو انسان جدید، از مقطعی تاریخی به این نتیجه رسیده است که باید جهان را آن‌گونه که می‌خواهد، تغییر دهد و متناسب با خواسته‌ها و نیازهای خود بسازد.

ب. شناخت تجربی

«انسان کنونی، تغییرخواهی را با شناخت تجربی دنبال می‌کند؛ از این‌رو، در پی شناختی می‌رود که با آن بتواند جهان را تغییر دهد. این شناخت، شناخت تجربی است و میوه آن، صنعت است. صنعت غیر از فن‌آوری است. صنعت در واقع، تجسم مادی فن‌آوری است.»^۱

ج. فرهنگ دنیوی و این جهانی

[انسان محوری تعبدگريزانه]

پیدایش صنعت، بالا رفتن نسبی سطح رفاه انسان جدید را در پی داشت که البته منجر به ایجاد سرمایه‌داری آزاد، بر اساس عرضه و تقاضا و مبتنی بر قراردادهای بشری نیز شد و وجه غالب فرهنگ بشر جدید، فرهنگ دنیوی و این

۱. انسان مدرن و تبلیغ دین، ص ۳۰ - ۲۷.

جهانی گردید. بر همین اساس، دین، به امری شخصی تبدیل شد و از صحنه اجتماع، به انزوای فردگرایانه رفت و انسان به جای خدا، محوریت یافت و خود را صاحب حق دید و همه چیز را در خدمت خود دانست و به جای تکلیف از حق خود در برابر خدا، سخن گفت و به تعبدگریزی روی آورد.

از این رو علوم جدید به دنبال کشف راه‌های بهتر برای بهره‌مندی افزون‌تر از طبیعت‌اند. در دنیای نوین، جنون «رقابت نفس‌گیر اقتصادی» برای «توسعه منفعت و لذت روزافزون»، ذهن و دل بسیاری از مردم را به خود مشغول نموده و از اندیشیدن به افقهای برتر زندگی، باز داشته است.

قرآن کریم، درباره چنین انسانهایی می‌فرماید: «الْهَيْكُمُ التَّكَاثُرُ * حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ»^۱ «افزون‌طلبی [و تفاخر] شما را به خود مشغول داشته [و از خدا غافل نموده] است؛ تا آنجا که به دیدار قبرها رفتید [و قبور مردگان خود را برشمردید و به آن فخر کردید].»

و نیز فرمود: «ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِيهِمُ الْأُمَلُّ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ»^۲ «بگذار آنها بخورند و بهره بگیرند و آرزوها، آنها را غافل سازد؛ ولی به زودی خواهند فهمید.»

د. آمیزه‌ای از مؤلفه‌های سنتی و مدرن پیوتر علوم اسلامی
 «نوع انسانهای امروزی، آمیزه‌ای هستند از مؤلفه‌های سنتی و مدرن؛ این، بستگی دارد که چه مؤلفه‌هایی در آنها برجسته باشد و به چه چیز، بیش‌تر بها دهند؛ هر چند ممکن است بسیاری از انسان‌ها، سنتی محسوب شوند یا متجدد به

۱. تکاثر/ ۱ و ۲.

۲. حجر/ ۳.

شمار آیند.

اگر با انسانی که نگاهش فقط به علم تجربی است، به زبان فلسفی سخن بگویید، به شما خواهد خندید و اگر از ادیان و پیش‌بینیهای ادیان و احکام تعبّدی برایش بگویید، تحمل نمی‌کند یا اصلاً نمی‌فهمد. اساساً نگاه او به دین و دنیا، دنیوی است.^۱

حال با چنین انسانی در مقام تبلیغ، چگونه باید مواجه شد؟ چگونه باید با او گفتگو کرد.

جایگاه خدا، در زندگی انسان جدید

انسانهایی هستند که با اعتقاد و التزام عملی به ادیان آسمانی، زندگی مؤمنانه‌ای دارند و خدا در زندگی آنان، حضوری پررنگ دارد؛ اما چقدر از انسانها چنین‌اند؟

نیچه معتقد است که: «خدا در ذهنیت و زندگی و ضمیر انسان مدرن، جایگاهی ندارد. حتی اگر این انسان به لحاظ نظری به وجود خدا معتقد باشد و بلکه بالاتر، بر اثبات وجود او ادله‌ای هم اقامه کند، باز هم خدا در جهان شخصی و درونی و نفسی‌اش، جایی ندارد. انسان جدید، هر چند به خدا معتقد است، ملحدانه زندگی می‌کند.»^۲

اکنون به اطراف خود که می‌نگریم، انسانهای زیادی را می‌بینیم که ادعای دینمداری و خدامحوری، در ذهن و زبانشان موج می‌زند، ولی در عمل، نشانه‌ای از ادعایشان نمی‌بینیم یا کم می‌بینیم که مشت ادعایشان در میدان عمل، باز

۱. انسان مدرن و تبلیغ دین، ص ۳۴ - ۲۷.

۲. همان، ص ۵.

می‌شود و دستشان از التزام عملی، خالی است. آیا این، عملاً همان زیستن ملحدانه نیست؟! کجایند رهپویان عرصه تبلیغ که رنگ الهی گرفته‌اند و می‌توانند در حدّ وسع خود، جهان دلها را به رنگ الهی بیارایند؟

نقش دین اسلام در دنیای نوین

الف. نیاز به دین

بی‌تردید، انسان، نیازهای متفاوت و گوناگونی دارد که بخشی از آنها، نیازهای مادی است و بخش مهم‌تر و عظیم‌تر آن، نیازهای روحی و معنوی است. او روحی خداجو دارد و ناخودآگاه، خدا را به عنوان قدرت برتر، دارای علم و شعور و شایسته توکل و ستایش می‌داند.

تاریخ حیات آدمی، گواه آن است که او، به مقتضای فطرت خداخواهی‌اش، همواره خود را محتاج خدا می‌یافته و در طلب این منبع قدرت و رحمت، تکاپوی دشوار و رنج‌آلودی داشته است تا به او اعتماد کند و از او یاری بجوید. انسانهایی که از این مسیر منحرف شده‌اند، به مصائب روحی ناگواری دچار شده‌اند.

«یونگ، علل بسیاری از مشکلات فکری و روحی و معنوی جهان امروز را، در پشت کردن بشر به دین می‌بیند. به باور او، بشر مدرن، اگرچه خود را تا حدّی از قید خرافات رها کرده، اما در دام خطرناک از دست دادن ارزشهای اصیل اخلاقی و دینی، گرفتار شده است.»^۱

«فروید»، نیز می‌نویسد: «در هیچ دوره‌ای، یک تمدن، خالی و تهی از معتقدات دینی نبوده است.»^۲

۱. مقاله «دین در دنیای مدرن»، مهدی نکویی سامانی، ص ۷۵.

۲. آینده یک پندار، زیگموند فروید، ص ۱۸۶.

اعتقادات، احساسات و رفتارهای دینی، به دژ کاملاً مستحکمی به نام خالق هستی، متکی است و لنگرگاه روحی انسان در ناگواریها است و این تکیه‌گاه آرام‌بخش و ثبات‌آفرین، به تمام عرصه‌های زندگی یک انسان متدین، ثبات و آرامش می‌بخشد.

چنین سلوک و وضعیتی، می‌تواند در جهان مدرن در همه عرصه‌های خطرناک انسان امروز، حضوری سازنده داشته باشد.

ب. نیاز به دین اسلام

اسلام، سرچشمه اصیل عرفان

شیفتگی مرموز انسان به آفریننده خود و احساس نیاز روزافزون او به ارتباط با خالق هستی، منجر به جذب او به منابع گوناگون مدعی عرفان شده است؛ از این رو می‌بینیم که مکاتب عرفانی، مراکز پرورش روح و روان‌کاوی، رونق شگفت‌انگیزی یافته‌اند. به این دلیل، بر مبلغان فرض است که تشنگان وادی معبودخواهی را به سرچشمه راستین عرفان - که دین اسلام است - رهنمون سازند و روح تشنه خداجوی انسانهای امروزی را سیراب نمایند تا اسیر سرابها نگردند.

اسلام، اصلاح‌گر انسان

بشر برای اصلاح بینش، گرایش و رفتار خود و نیز تأمین صحیح نیازهای مادی و معنوی‌اش، محتاج دین اسلام است. اکتفا به عقل ناقص جزئی‌نگر و دانش بشری و انقطاع از تعالیم و حیانی، توأم با روحیه دین‌گریزی یا دین‌ستیزی، منجر به ایجاد یک تمدن وحشی و وحشت‌زا می‌شود که دنیا را به نام اصلاح، به فساد و نابودی می‌کشاند و ارزشهای انسانی و الهی را به مسلخ می‌برد.

پیشرفت علوم بشری، صرفاً گوشه‌ای از تاریکیهای حیات آدمی را روشن

می‌کند، اما حلّ مسائل معنوی، از توان آن فراتر است و بالهای دانش بشری، قادر به پرواز تا بلندای بی‌کران این مسائل نیست.

آدمی در طول تاریخ به این ناتوانی خود، واقف بوده و به غافلان از این ناتوانی هشدار می‌داده است که مبدا یا را از گلیم اقلیم خرد، فراتر نهند و خود را به جای پیامبران جا بزنند یا با اکتفا به عقل جزئی، ماورای عقل را نادیده انگارند و خود را از دین بی‌نیاز بدانند. هم انسان جاهل دیروز به خدا و دین محتاج بود و هم انسان علم‌زده امروز. البته در میان ادیان، اسلام، دینی جامع و ناظر به همه زوایای زندگی بشری است و انسان امروز، برای رشد و کمال حقیقی، راهی جز قبول و انتخاب راه اسلام ندارد.

خدا سرچشمه عقلانیت و معنویت

خدا، تنها سرچشمه حقیقی عقلانیت و معنویت است و آن که خواهان رشد عقلی و معنوی است، باید طالب دین خدا [که اسلام است] باشد؛ وگرنه هرچه پیش‌تر رود، از کمال عقلانی و معنوی دورتر می‌شود: «فَذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصِرُّونَ؟»^۱ «آن خداوند، پروردگار حقّ شما [دارای همه این صفات است]! با این حال، بعد از حق، چه چیزی جز گمراهی وجود دارد؟

پس به کجا [از پرستش او] رویگردان می‌شوید؟!»

امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ كَانَ عَاقِلًا كَانَ لَهُ دِينٌ»^۲ هر کس عاقل باشد، دیندار نیز

خواهد بود.»

بنابراین، رویگردانی از دین اسلام، نه تنها عقلانی نیست بلکه نشانگر غفلت یا

۱. یونس / ۳۲.

۲. الکافی، ثقة الاسلام کلینی، ج ۱، ص ۱۰.

جهالت یا سفاهت و سبک‌مغزی و بی‌عقلی است.

اسلام، معنابخش زندگی

پیشرفتهای شگفت‌انگیز علمی، امکانات مادی، مواد مخدر، فرصتهای شادی‌بخش و آرام‌بخش، مکاتب روان‌کاوی، فلسفه‌ها و ادیان ساختگی جدید و عرفانهای نوظهور و کاذب، هیچ کدام نمی‌توانند به جای دین قرار گیرند و کارکرد دین را داشته باشند.

تنها دین جامع اسلام است که می‌تواند معنای معقول و جامعی به همه جنبه‌های جدید انسان و جامعه بدهد و آن را از آفات و خطرات نوین، نجات دهد.

بنابراین، «نیاز بشر به خدا، چنان مهم است که فقدان آن در زندگی انسان، زندگی را بی‌معنا و تلخ می‌کند. به قول کارل یونگ، بیماری قرن ما، بیماری مذهبی است. بشر قرن بیستم، در اثر فن‌آوری علمی و جمود و کوتاه‌نظری و تعصب، لامذهب و سرگشته شده و در جستجوی آرامش روحی است و تا وقتی مذهب نیابد، آرامش ندارد. بی‌مذهبی، موجب احساس پوچی و بی‌معنا بودن زندگی می‌شود و داشتن مذهب و آرمان، به زندگی مفهوم و معنا می‌بخشد.»^۱

هربرت آرمسترانگ، صاحب‌نظر آمریکایی می‌گوید: «علوم جدید، در نشان دادن هدف زندگی انسان و راه انسانیت، مطلقاً ناتوان است و نمی‌تواند معنا و مفهوم درست و ارزشمندی برای زندگی بشری ارائه کند. دانش نوین، ارزشهای راستین را نمی‌شناسد؛ دانش نوین، راه صلح و سلامت و آسایش را به درستی

۱. مقاله «دین در دنیای مدرن»، ص ۷۷.

تشخیص نمی‌دهد.^۱

دین اسلام، پاسخگوی خلأ معنوی و بحران معرفتی

«اکنون، در میان نخبگان علمی و بیش‌تر مردم، این آگاهی و اشتیاق، هر روز بیش‌تر گسترش می‌یابد که باید حقایق دینی، مورد توجه جدی قرار گیرند و در یک گفتمان قابل دفاع و معقول، بازاندیشی شوند تا بشر بتواند به خلأ معنوی و بحران معرفتی و وجودی خود پاسخ دهد. شکی نیست که راه برون‌رفت بشر نوین و دین‌گریز، از این بحران معرفتی و معنوی، تجدیدنظر و اصلاح عملکرد خود نسبت به دین اسلام است.»^۲

امام خمینی علیه السلام در پیام خود به گورباچف، رهبر شوروی سابق، یادآور شدند: «با مادیات، نمی‌توان بشریت را نجات داد، عدم اعتقاد به معنویت، از اساسی‌ترین دردهای جامعه بشری در غرب و شرق است.»^۳

دین، نیازی فطری است و نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. دین اسلام، ضامن سعادت همه‌جانبه، راه برون‌رفت از بحرانهای معرفتی و پوچگرایی، راه عدالت و صلح و حاکمیت ارزشهای اخلاقی، راه حل بحران وجودی و برترین پاسخ به عالی‌ترین نیاز بشر در همه زمانها است.

دین‌گرایی روزافزون دنیای مدرن - کاترین کورنیلووا

«بر انسانهای عقل‌مدار و منصف، پوشیده نیست که حتی در جدیدترین جوامع غربی، هنوز هم دین و ارزشهای دینی، به حیات خود ادامه می‌دهند و نفوذ خود را از دست نداده‌اند. در جهان مدرن نیز، نیاز و گرایش به مذهب و معنویت، رو

۱. جهان امروز و فردا، علی اکبر کسمایی، ص ۲۱۱.

۲. مقاله «دین در دنیای مدرن»، ص ۷۷.

۳. نامه امام خمینی علیه السلام به گورباچف، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۸/۳/۱۱.

به افزایش است و بشر امروز، با وجود بهره‌مندی از انواع امکانات و پیشرفتهای علمی، باز هم خود را نیازمند دین می‌داند. این واقعیت، مؤید آن است که دین به دلیل آنکه امری فطری است و با فطرت کمال‌طلبی و روحیه حقیقت‌جویی انسان مرتبط است، همیشه و در همه جوامع، به حیات و بقای خود ادامه خواهد داد؛ زیرا بشر برای شناخت مسیر واقعی کمال و سعادت، به دین نیاز دارد و بدون دین نمی‌تواند به آرامش مطلوب و کمال نهایی برسد و در واقع، فلسفه دین، هدایت انسان به سوی کمال حقیقی است. از این‌رو، همواره انسان به دین نیاز داشته است و خواهد داشت.»^۱

ادامه دارد... .



۱. مقاله «دین در دنیای مدرن»، ص ۷۸.

فهرست منابع

۱. ثقة الاسلام کلینی، الکافی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ش.
۲. زیگموند فروید، آینده یک پندار، ترجمه هاشم رضی، تهران، آسیا، ۱۳۵۷ش.
۳. سایت: <http://shiaha.com>.
۴. کریمی، عبدالعظیم، راهبردهای روان‌شناختی تبلیغ، ستاد اقامه نماز، تهران، چاپ نهم، ۱۳۸۶ش.
۵. کسمایی، علی اکبر، جهان امروز و فردا، تهران، بی‌تا.
۶. معاونت پژوهشی حوزه علمیه قم، انسان مدرن و تبلیغ دین، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم، چ اول، ۱۳۸۵ش.
۷. نکویی سامانی، مهدی، مقاله «دین در دنیای مدرن»، مجله معرفت، شماره ۱۲۳.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی